

هفت خوان توسعه

در روایت ستاری فر از تأمین اجتماعی

م. کائیل عظیمی

سرشناسه : عظیمی، میکائیل، ۱۳۵۴ -
 عنوان و نام پدیدآور : هفت‌خوان توسعه : در روایت ستاری‌فر از تأمین اجتماعی / میکائیل عظیمی.
 مشخصات نشر : تهران : نشر کویر، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری : ۴۴۸ ص: مصور.
 شابک : ۷۰۰۰۰۰ ریال 9789642143085 :
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 عنوان دیگر : در روایت ستاری‌فر از تأمین اجتماعی.
 موضوع : تأمین اجتماعی -- ایران -- تاریخ
 موضوع : Social security -- Iran -- History
 موضوع : ستاری‌فر، محمد، ۱۳۳۱ - -- خاطرات
 موضوع : سران تأمین اجتماعی
 رده بندی کنگره : ۳۱۲ /HD
 رده بندی دیویی : ۳۶۸ /۸۰۰۴۰

www.ketaboo.ir



هفته خوان توسعه

در روایت ساری سر از تأمین اجتماعی

میکائیل عظام

طراح جلد: سعید زاشکانی • امور فنی و صفحه آرایی: انتشارات کویبر

چاپ و صحافی: غزال • شمارگان: ۵۰۰ • پیر اول ۱۳۹۸

شابک: ISBN: 978-964-214-308-5 • قیمت: ۷۰۰۰ تومان

Email: kavirbook@gmail.com

نشانی: تهران، کریم خان زند، ابتدای قائم مقام فراهانی، کوی یکم، شماره ۱، ساختمان کویبر

کد پستی: ۱۵۸۵۹۱۴۹۱۳ - تلفن: ۸۸۳۰۱۹۹۲ - ۹ و ۸۸۳۴۲۶۹۸

«با حمایت مالی هیئت امنای سازمان تأمین اجتماعی و صندوق‌های تابعه»

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،

به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)

بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست مطالب

۱۲.....	همراهان نویسنده.....
۱۵.....	بیشگفتار نویسنده.....
۱۶.....	چرا ستاری فر؟.....
۱۷.....	آغاز مسیری نه‌چندان هموار.....
۱۹.....	تلاش برای ارائه استحكام.....
۲۱.....	چیدمان مطالب کتاب.....
۲۳.....	فصل ۱: تأمین اجتماعی آیین تمام‌نمای نظام دیوان‌سالاری.....
۲۴.....	یک فنجان قهوه با تاریخچه سر عقل آمدن سرمایه‌داری.....
۲۹.....	یک استکان چای با تاریخ، شکرگیری، سازمان تأمین اجتماعی در ایران.....
۳۲.....	چرا تأمین اجتماعی برای توسعه معیشت (گستره توسعه‌ای تأمین اجتماعی).....
۳۵.....	بازگشت به پرسش نخستین: چرا تعمیر و توسعه؟.....
۳۷.....	فصل ۲: عبرت‌هایی تاریخی از پیش و پس از انقلاب.....
۴۰.....	اداره منطقه‌ای سازمان.....
۴۳.....	سازمان در بوجوه انقلاب.....
۴۵.....	تأمین اجتماعی و حرام شدن بیمه‌ها.....
۴۸.....	غیرشرعی دانستن حق بیمه تأمین اجتماعی؟!.....
۴۹.....	شانس تاریخی سازمان.....
۵۴.....	تناقض آرمان‌ها و عملکرد.....
۵۷.....	فصل ۳: تدوین اصل ۲۹ قانون اساسی.....
۶۳.....	فصل ۴: در منجیق حوادث.....
۶۴.....	مواجهه با واقعیت، زمینه اقدام‌های آتی.....
۶۶.....	تأمین اجتماعی از منظر سازمان برنامه.....
۶۹.....	قانون بودجه ۱۳۶۵ و طراحی نظام جامع.....
۷۲.....	پرش با نیزه؛ از سال ۶۸ تا ۷۶.....

فصل ۵: سازمان تأمین اجتماعی در سال‌های پس از انقلاب.....	۷۵
سازمان تأمین اجتماعی در سال‌های پس از انقلاب.....	۷۵
لایحه قانونی اصلاح «قانون تشکیل سازمان تأمین اجتماعی» مصوب ۱۳۵۸/۴/۲۸.....	۷۹
رنج تأمین اجتماعی از دانش ناکافی.....	۸۱
دوره‌های حیات سازمان.....	۸۴
تحولات دوره نوزایی؛ نیمه اول دهه ۷۰.....	۸۷
مهدی کاکیان.....	۸۸
شورای ارتباطات در دهه ۷۰.....	۹۱
نشریه آتیه.....	۹۲
شعار سازمان.....	۹۷
در معرض رانت جویی.....	۹۹
رسانه در بستر تاریخ سازمان در ایران.....	۱۰۰
دیدگاهی مخالف؛ روایتی از منظر دیگر.....	۱۰۱
فصل ۶: انتصاب.....	۱۰۳
ستاد به آفرین.....	۱۰۸
تشکیل کابینه خاتمی.....	۱۱۰
خاطره‌ای معنادار.....	۱۱۱
تجربه‌ای فراموش شده؛ پندی برای آیندگان.....	۱۱۱
خالی بودن جای ستاری فر در کابینه.....	۱۱۴
مسئله‌دار شدن با ثمره دوران جوانی.....	۱۱۵
اصرار از خاتمی، افه از ستاری فر؟!.....	۱۱۷
تیولرداری نوین.....	۱۲۰
نهب کارگری با دستان لرزان.....	۱۲۱
ملاقات با مدیر سابق پیش از معارفه رسمی.....	۱۲۳
پیش شرط‌های پذیرش مسئولیت.....	۱۲۴
هیئت مدیره ناشناس.....	۱۲۷

۱۳۰.....	ورود به سازمان.....
۱۳۳.....	انتخابات و پرسشی بی پاسخ.....
۱۳۵.....	پرسشی سخت، پاسخی تلخ.....
۱۳۷.....	فصل ۷: شروع به کار: ستاری فر وارد چه سازمانی شد؟.....
۱۳۸.....	عکسی با آمارهای سازمان در ۱۳۷۶.....
۱۳۹.....	شروع به کار.....
۱۴۰.....	حق فردی یا حق سازمانی.....
۱۴۲.....	نخستین جلسه هیئت مدیره.....
۱۴۴.....	بستن تیم در سازمان.....
۱۵۰.....	برنامه تثبیت.....
۱۵۲.....	حفره‌ای به بزرگی سال‌های حیات؛ صدمات‌های مالی.....
۱۵۵.....	فرهنگ سازمانی.....
۱۵۶.....	سازمان‌های غیررسمی.....
۱۵۷.....	دیالکتیک نگرش‌ها.....
۱۵۸.....	آفت داوری تک‌ساحتی.....
۱۵۸.....	تلاش برای تغییر در دوره نوزایی.....
۱۵۹.....	تصمیم‌گیری غیرمشارکتی.....
۱۶۰.....	نقطه آغاز کائنات.....
۱۶۰.....	غلبه مرکز بر داوری‌ها.....
۱۶۱.....	حامی پروری با طعم رفاهی.....
۱۶۱.....	شفافیت قواعد؛ نمونه برجسته.....
۱۶۱.....	خشونت کلامی در فضایی اداری!.....
۱۶۲.....	احیای کتابخانه.....
۱۶۳.....	پرچم سفید؛ نماد تأمین اجتماعی.....
۱۶۴.....	آنچه باید پیش چشم داشت.....

۱۶۵	فصل ۸: بخش بیمه‌ای (فنی و درآمد)
۱۶۷	اندر اهمیت و ضرورت جوجه اردک زشت
۱۷۰	ضرباهنگ بدهی دولت به سازمان
۱۷۳	ثبت آمار و اطلاعات؛ رگ حیات بیمه‌های اجتماعی
۱۷۸	و اما بازرسی
۱۸۰	اکچوئری، مفهومی ناشناخته اما گریزناپذیر
۱۸۲	جزوه‌ای برات از منابع و مصارف
۱۸۵	گزارش به رهبری
۱۸۶	فقر مفهوم و از طرار نباید واژه
۱۹۰	ترویج مفاهیم، تلاشی بی‌هم‌سویی
۱۹۲	سامان سوابق؛ امضایی ماندگار
۱۹۴	نظام نوین اطلاعات
۱۹۷	حفظ سوابق در سال‌های نه‌چندان دور
۱۹۹	حقوق مالکیت و سوابق بیمه‌ای
۲۰۰	فرآیند سامان سوابق
۲۰۱	برآورد حجم کار
۲۰۳	نقصان در سامان سوابق
۲۰۶	موانع پیش‌روی طرح سامان سوابق
۲۰۸	نگاه دولت و مجلس به طرح سامان سوابق
۲۰۸	فرجام سامان سوابق
۲۱۰	سامان سوابق در قلاب چند عکس
۲۱۵	سامان سوابق، نگاهی از پس‌شانه
۲۱۹	فصل ۹: بخش درمان
۲۲۱	پیش از انقلاب
۲۲۴	پشت‌صحنه درمان در نیمه دهه ۱۳۶۰

۲۲۶	کیسه سازمان و حاتم طایی شدن نهاد دولت
۲۳۲	بازگشت درمان با قانون الزام
۲۳۴	قانون الزام سازمان تأمین اجتماعی به اجرای بندهای الف و ب ماده ۳ قانون تأمین اجتماعی
۲۳۶	بند الف تبصره یک قانون الزام
۲۳۶	تکثیر پزشکی در سازمان بیمه‌ای
۲۴۰	تحلیل یک خطای راهبردی
۲۴۲	پس‌زمینه‌های آئینش جهت‌گیری
۲۴۴	جهت‌گیری‌های مدیریتی به امید بهبود
۲۵۰	بیمارستان میلاد، تجربه‌ای ناگوار
۲۶۱	فصل ۱۰: بخش فرهنگی و اجتماعی
۲۶۱	نمونه‌ای ناقض بر قاعده‌ای کلی
۲۶۴	سه‌جانبه‌گرایی؟!
۲۶۵	ایجاد ساختار؛ گامی برای تغییر محتوا
۲۷۰	گفت‌وگو با مشترکان؛ تزئینی یا ضرورت
۲۷۱	خاطره‌ای از خودداری خاتمی
۲۷۲	حامی پروری بلای جان سه‌جانبه‌گرایی
۲۷۴	رانت‌های خوش‌نما
۲۷۷	فصل ۱۱: نظام‌های پشتیبان مدیریت
۲۷۸	تحلیل و شناخت سیستمی از سازمان تأمین اجتماعی
۲۸۱	تمرکزگرایی در سازمان
۲۸۲	صف و ستاد در سازمان
۲۸۵	هم‌افزایی تلقی نادرست از پشتیبانی و غلبه نگاه دولتی
۲۸۷	کمبود پرسنل قابل
۲۸۹	تضاد داخل و خارج
۲۹۰	انتصاب مدیران میانی

۲۹۲	 امور بین الملل
۲۹۶	 آموزش
۲۹۷	 پژوهش و مؤسسه عالی آن
۳۰۲	 مأموریت مؤسسه
۳۰۲	 استقلال مؤسسه
۳۰۵	 فصلنامه تأمین اجتماعی
۳۰۷	 لایحه، بون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی
۳۰۹	 پژوهش‌های استانی
۳۱۳	 ستاد برنامه؛ روشی برای مدیریت مشارکتی
۳۱۷	 فصل ۱۲: تجربی حربه اما راهنما؛ امور استان‌ها
۳۱۸	 پیشینه امور استان‌ها
۳۱۹	 استدلال برای تفکیک
۳۲۵	 از مخالفت‌ها تا انتقادات
۳۲۷	 پاسخ به انتقادات
۳۳۰	 بسط امور استان‌ها در استان‌ها
۳۳۳	 فراخوان مدیران
۳۳۶	 فراخوان مدیران در هفته‌نامه تأمین
۳۳۷	 نسبت بیمه و درمان در استان‌ها
۳۳۸	 امور مجلس؛ قاتق نان یا قاتل جان؟
۳۴۲	 رشوه برای قانون
۳۴۳	 فصل ۱۳: بخش سرمایه‌گذاری
۳۴۶	 پیشینه سرمایه‌گذاری
۳۴۸	 تبصره ۸۲ در سال ۶۴
۳۵۱	 شکل‌گیری شستا
۳۵۲	 وضعیت سرمایه‌گذاری سال ۷۶
۳۵۵	 سرمایه‌گذاری با وام به افراد

۳۵۶	 شستای جذاب و بوی پول
۳۵۷	 سیاست و جهت گیری
۳۶۱	 خاطره‌ای عجیب اما واقعی
۳۶۲	 انتخاب مدیرعامل شستا
۳۶۳	 حاکمیت شرکتی
۳۶۵	 ماجرای ناصری
۳۷۰	 نقد دیروز از پس شانه امروز
۳۷۲	 املاک و مستغلات
۳۷۴	 مأمور نگهداری امشال اخت و ساز؟
۳۷۹	 پاداش خرج مساعدت
۳۸۱	 جان کلام؛ حوزه سرمایه گذاری
۳۸۳	 داستان بانک رفاه
۳۸۴	 پیشینه و ملی شدن
۳۸۵	 درآمدن بانک‌های دیگر
۳۸۷	 بانک رفاه؛ با کارگران یا بدون کارگران
۳۹۱	 فصل ۱۴: به استقبال فردایی بهتر با درس‌هایی از یروز (جمع‌بندی)
۳۹۳	 یادآوری: تأمین اجتماعی، هم ابزار توسعه و هم هدف توسعه
۳۹۵	 پیش به سوی جمع‌بندی
۳۹۵	 یک. دشواری‌های تأسیس در بستر گسستی تاریخی
۳۹۶	 دو. تلاش‌های تأسیس نخستین
۳۹۷	 سه. از ابهام‌های ۵۰ ساله تا پرسش‌های ۱۵۰ ساله
۳۹۸	 چهار. برش‌های پنج‌گانه از حیات سازمان
۳۹۹	 دستی در زلف گذشته و چشمی به تمنای آینده
۴۳۶	 و بالاخره هجدهم؛ پرسشی بس سرنوشت‌ساز
۴۴۰	 پیوست‌ها

پیشگفتار نویسنده

اگرچه تاختی عزیز، مردم ایران هر بار گامی برداشته‌اند که به ترانسته منجر به آزادی و بهروزی آنها شود، با دیواری از کج‌مویی، بی‌عیانیت و استبداد، راهشان سد شده و حاصل بی‌نتیجه مبارزات صانعانشان تنها افسردگی عمومی و خزیدن در لاک بی‌تفاوتی و عصیان بوده است. این مردم پاک، لایق بهترین شادی‌ها هستند و عموماً بهترین نصیبتان می‌شوند. گویی، این تقدیر محکوم ملت شریفمان است. تقدیر سیاهی که اراده ملی‌مان را سست و ناامیدی را در کشورمان مساند کرده؛ مردم حالا تمام شکست‌های ملی و اجتماعی‌شان را پس از این کودتای شوم، با طعم شیرین پیروزی‌های شما جبران می‌کنند. روز آخر در حصر خانگی نبودم به استقبالتان آمده و بر دست‌هایی که مردم افسرده ایران را شاد کرده‌اند، بوسه می‌زدم.

نامه دکتر محمد مصدق به علام‌رضا تاختی

این کتاب تاریخچه تأمین اجتماعی نیست. خاطرات محمد ستاری فر هم نیست. هرچند نگارنده، ماه‌ها و بل سال‌ها بود که خواستار ضبط و ثبت خاطرات وی از سازمان تأمین اجتماعی بود، اما وی از این فقره پرهیز داشت و تن به «خاطره‌گویی» نمی‌داد. آنچه پیش‌رو دارید متنی مرسوم و متعارف درباره «چالش‌ها و موانع سازمان تأمین اجتماعی» هم نیست که این مهم را به مجالی دیگر و صاحبان قلمی شایسته واگذارده است.

این کتاب بنا به شرط و شروط ستاری‌فر، پرسشی سهمگین را پیش کشیده و پنجه در پنجه معضلی در انداخته که بسیار گسترده، چندبعدی و ریشه‌دار است. کلیدواژه اصلی این کتاب نه ستاری‌فر است و نه تأمین اجتماعی، بلکه «نظام تصمیم‌گیری و دستگاه دیوانسالاری کشور» است. آنچه در پی ماه‌ها و با همراهی دوستان مرافق تنظیم و عرضه شده، در تلاش است تا کاستی‌های آن نظام و نقصان‌های آن دستگاه را شناسایی کند، اما برای گرده به شانه این پرسش غول‌آسا ساییدن، دوره مدیرعاملی محمد ستاری‌فر در تأمین اجتماعی را به‌عنوان «شاهد و گواه» پیش کشیده است. روشن است که تعریف مطالعه‌ای در این قامت، نیازمند تته‌زدن به حواشی ضروری‌ای است؛ مانند بسط بازه زمانی به پیش از انتصاب ستاری‌فر یا تکمیل مباحث وی با بهره‌گیری از تجارب پیشکسوتان و مطلعان دیگران. بنابراین، نباید در انتظار مطالعه خاطرات به سبک رایج بود، نباید به پیشواز متنی با ادبیات رایج اداری رفت و نباید بحثی در قد و قواره یک سازمان (برپند بزرگ و فراگیر) را چشم داشت. نویسنده به مدد یاران موافق تلاش کرده تا رخدادها و تجرب گردهم آورده از سازمانی فراگیر و ملی (سازمان تأمین اجتماعی) را برای یافتن پاسخ پرسش کنونی به کار برده و در چارچوبی منطقی-نظری، پا را از سازمان فراتر نهاده و چشم را بر افق گسترده‌تر بدوزد؛ باشد که از نمد این کتاب، کلاهی نصیب توسعه این بلاد و مردمان آن شود. آیدون باد!

چرا ستاری‌فر؟

برای آنانی که در سال‌های پس از انقلاب و به‌ویژه دو دهه اخیر اخبار اقتصادی و سیاسی کشور را دنبال می‌کنند، «محمد ستاری‌فر» نامی آشناست و یادآور غنایایی مشخص: استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی که در نقد برنامه تعدیل ساختاری از سازمان برنامه‌کنانه‌گیری کرد و انتقادهایی صریح و اثرگذار بر دولت وقت داشت؛ فردی که نقشی مؤثر در ستاد انتخاباتی محمد خاتمی در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ داشت؛ همویی که در دولت نخست اصلاحات (۱۳۷۶ - ۱۳۸۰)، معاون و معتمد رئیس‌جمهور و همچنین مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی شد؛ کسی که در دولت دوم اصلاحات (۱۳۸۰ - ۱۳۸۳) رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بود؛ و بالاخره، یکی از پنجاه اقتصاددانی است که در خرداد ۱۳۸۵ با نوشتن و انتشار عمومی نامه‌ای پرطنین، نقدی جانانه به رئیس‌جمهور وقت (محمود احمدی‌نژاد) داشت. این همه در کنار هم‌نشینی با برخی از چهره‌های سیاسی-اجتماعی که گرایش‌های آشکار انتقادی دارند، وسواس وی در پای فشردن بر

برخی اصول انسانی و اجتماعی، حتی به قیمت در مضیقه و فشار و تهدید قرار گرفتن، و بالاخره دقت موشکافانه او در پیگیری منافع ملی و جانبداری از حقوق گروه‌های فرودست، از ستاری‌فر چهره‌ای فراتر از کلاس درس و دانشگاه ترسیم کرده است.

همین مسئولیت‌ها و مواضع صریح کافی است تا هر علاقه‌مند به تاریخ معاصر، به ضرورت ضبط و ثبت تجارب (تاریخ شفاهی) وی قانع شود. بی‌تردید ستاری‌فر شاهد زنده و گواهی ارزنده از رخداد‌های آشکار و پنهانی است که بر این دیار رفته است. این مهم اما زمانی اهمیتی دوچندان دارد که وی سال‌هاست در دانشگاه، «توسعه» درس می‌دهد و در سال‌هایی که کمتر کسی با این مفهوم آشنا بود و کمتر استادی به تدریس این درس رغبت نشان می‌داد کتابی به چاپ رساند. درآمدی بر سرمایه و توسعه که هنوز پس از سال‌ها از منابع ارزنده برای درس توسعه به‌شمار می‌رود. بنابراین، وقتی سخن از تجربه‌های مستقیم و دست‌اول ستاری‌فر از نظام تصمیم‌گیری در میان است به نام و نه مخاطبانش، انتظار بیان خاطراتی برای ثبت در تاریخ ندارند و ذهن آغشته به مفهوم توسعه از هر خاطره و هر یادآوری تاریخی، راهی و دریچه‌ای تحلیلی بر «شناخت» اوضاع و احوال کشور دیوان‌سالاری کشور می‌گشاید.

این همه کفایت می‌کند تا کنجگاه، علاقه‌مندان به رخداد‌های سیاسی-اجتماعی معاصر را به‌قدری تحریک کند که تقاضای مصاحبه را ازها و بارها با وی در میان گذارند؛ امری که نه‌تنها توسط نویسنده، بلکه توسط تنی چند از پژوهشگران نیز دنبال شده است. نگارنده، بسی بخت‌یار بود که با شرط و شروطی، محمد ستاری‌فر به قضاای چندین باره وی و دوستانش پاسخی مثبت داد؛ پاسخی که در سیری توافق‌شده به تدوین و عرضه این کتاب منجر شد.

آغاز مسیری نه‌چندان هموار

پس از آنکه بالاخره محمد ستاری‌فر به بیان تجارب خود از سال‌ها تأمین اجتماعی رضایت داد، سه شرط اصلی پیش‌روی نگارنده و همراهان وی گذارد: نخست آنکه به‌هیچ‌وجه با یک نفر مصاحبه نمی‌کند، بلکه باید جمعی منتخب در جلسات حاضر شوند تا گفته‌های وی را به چالش کشیده و در صورت لزوم به تکمیل مباحث کمک کنند؛ دوم، از عنوان مصاحبه استفاده نشود و به‌جای آن از واژه «کارگاه» استفاده شود تا بدین ترتیب به مرز محتوایی توافق‌شده با موارد مشابه تأکید و تصریح شود؛ و بالاخره، سوم و اصلی‌تر از دو دیگر آنکه، تنها به بیان خاطرات بسنده نشود، بلکه موضوع کانونی و تمرکز بنیادین بر «یافتن کاستی‌ها و

۱۸ □ هفت خوان توسعه / در روایت ستاری فر از تأمین اجتماعی

نقصان‌های نظام تصمیم‌گیری کشور» باشد. به بیان دیگر هدف اصلی این تلاش جمعی، کالبدشکافی نظام دیوان‌سالاری کشور باشد و برای این مهم، با تجارب وی درباره سازمان تأمین اجتماعی به عنوان «مصادیق یا شواهد» برخورد شود. به زبان آشنا در محافل دانشگاهی، مسئله اصلی در این تلاش، یافتن نواقص و کاستی‌ها در نظام تدبیر توسعه کشور، مطالعه موردی سازمان تأمین اجتماعی در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ است.

ستاری فر حتی به این شروط بسنده نکرد و با تنظیم قرار نشست آغازین، در همان جلسه نخست، بیتی از پیش آماده را برای جمع حاضر خواند و از آن به عنوان «منشور کارگاه» یاد کرد:

دور هم جمع شده‌ایم بابت یک تولید جمعی. هدف از این تلاش آن است که مسائل و مشکلاتی را که دولت در عرصه‌های مختلف تأمین اجتماعی با آن‌ها روبه‌رو است شناسایی کرده و اگر نقد و ارزیابی قابل طرح است، بیان شود. این کارگاه، جدیه فکر خاطره نیست؛ زیرا خاطره‌نویسی به بیان یکه‌تازی فرد خاطره‌گو تبدیل می‌شود، اما اینجا هدف واکاوی مشکلات کشور است و این مهم کار جمعی طلب می‌کند. برای این کار شش اصل طرح کرده‌ام و خواهش می‌کنم در صورت ده‌شدن ر این هدف، رئیس جلسه تذکر دهند تا به موضوع اصلی برگردیم:

۱. سعی کنیم بیان حقایق داشته باشیم به دور از حب و بغض و جناح‌بندی‌های فکری و سیاسی. معیار و ملاک نه‌چیز و نه‌چیز از انقلاب باشد و نه این جناح و آن جناح؛ تنها حقایق را بیان کنیم.

۲. در بررسی‌ها، ملاک و معیار، ما و تجارب محدود نیست. باید بینیم ابتدا علم چه گفته و سپس ببایم چقدر از قوانین و موازنه نظری دور و یا نزدیک بوده‌ایم.

۳. بحث حتماً جمعی باشد. جلسه طوری مدیریت شود که همه نظر دهند و در ابراز نظر به طرح سؤال و نکته‌های محدود، اکتفا نشود و موضوع را بشکافند.

۴. در صورت انتشار این گفت‌وگوها به صورت کتاب، این کتاب یک کار جمعی است، ولی اگر قرار باشد اسم کسی در صدر باشد، نام کسی است که تدوین‌گر است و ایشان هم آقای میکائیل عظیمی است.

۵. از دوستان خواهش می‌شود با حضور فعال خود، اجازه ندهند راوی تنها یک نفر باشد.

۶. بحث‌هایی که مطرح می‌شود، ممکن است برخوردار از برخی درستی‌ها و نادرستی‌ها باشد، هم کار کردی و هم عملکردی؛ بنابراین بعد از همه زحماتی که کشیده می‌شود، برای ارزشمندتر شدن این کار، به عنوان توضیح یا تبصره، شرحی بر مطالب راوی (محمد ستاری فر) آورده شود.

این اساس در کنار روایت راوی، دوستان و حاضران در کارگاه، باید سه نقش داشته باشند: ۱. بحث تکمیلی ارائه کنند؛ ۲. بحث اصلاحی داشته باشند؛ و ۳. بحث‌های ارائه شده را نقد کنند.

با این شرط و با توافق چنین چارچوبی، جلسه‌های کارگاه هر چهارشنبه بعد از ظهر (با قرار هماهنگ شده از قبل) در محل موسسه آهنگ آتیه برگزار شد. تنها برای دور نخست کارگاه، دوازده جلسه تشکیل شد. این جلسات دوم اسفند ۱۳۹۶ آغاز شد و در ۱۳ تیر ۱۳۹۷ پایان یافت. وظیفه است از دوستان گرامی و به خصوص خود در مؤسسه آهنگ آتیه پاسخگویی شود. بیژن رمضانی، مدیرعامل، ابراهیم رسائی، رئیس وقت هیئت مدیره، آقای شادانلویی، مدیر دفتر مدیرعامل و دیگر عزیزانی که به گرمی و با جفا، برگزاری منظم جلسات را در محیطی آسوده و آرام مهیا کردند، بی‌تردید یکایک ایشان در این اثر سهیم‌اند.

تلاش برای ارتقا و استحکام

پس از دوازده جلسه نشست، وقتی قریب به پنجاه ساعت مصاحبه تنظیم شد و متن بر اساس فهرست مقدماتی، طبقه‌بندی شد؛ زمینه برای تدوین نسخه نخست و اولیه کتاب فراهم شد. این نسخه، طی نشستی در ۲۵ مهر ۱۳۹۷ و در همان محل مؤسسه آتیه، موضوع چک‌شماره‌ری و بحث همراهان قرار گرفت تا نگارنده از بخشی از نظر اصلاحی همراهان بهره‌مند شود؛ نکاتی که به‌طور مشخص بر اصلاح برخی مطالب و بیش از آن، شیوه آغاز مباحث کتاب به‌منظور جذاب‌تر شدن برای خواننده عمومی، متمرکز بود، اما اعمال نظر اصلاحی همراهان و تدوین نسخه دوم کتاب، نگارنده را به‌سوی تقاضا از سه نفر مطلع سوق داد، سه نفری که گفته‌های آن‌ها تأثیر کیفی بر بسط مباحث و یافتن زوایای دیگری از مباحث را فراهم کرد: رزاق صادق؛ محسن ایزدخواه؛ و علی حیدری.

این همه مانع نشد تا پس از تدوین نسخه دیگری از کتاب، برای کسب دیدگاه‌های تنی چند از دوستان تلاش نشود. این گونه بود که نسخه پایانی کتاب، پیش از ارائه به ناشر، به جمعی منتخب از دوستان تقدیم شد. به جز نه نفر همراهی که پیش‌تر نام آن‌ها برده شد، در این گام، نگارنده از نکته‌سنجی‌ها و تذکرات پنج نفر بهره برد. رزاق صادق، محسن ایزدخواه و علی حیدری، از مدیران عالی سازمان تأمین اجتماعی، با روی گشاده، خواهش نویسنده برای خواندن کتاب را پذیرفتند و برگ به برگ کتاب را از نظر گذراندند و بی‌هیچ تعارفی، انتقادهای تند و البته ارزنده خود را، بی‌منت، مطرح کردند. انتقادهای ایشان سبب مجموعه‌ای از اصلاحات (حذف یا اضافه) برخی گزاره‌ها و یا تغییر برخی واژگان کلیدی شد. دست‌خط ایشان در بایگانی این مطالعه یادگارهای آموزنده‌ای برای نویسنده خواهد بود.

استاد گرامی و پژوهشگر صاحب‌نام و صاحب سبک، دکتر محسن گودرزی که در سودای ایرانی بهتر، تحولات اجتماعی ایران را رصد می‌کند، دوست گرامی و پژوهشگر دغدغه‌مند ایران، دکتر رضا امید، عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران؛ دکتر یاسر باقری، پژوهشگر کوشا و دقیق سیاست‌گذاری اجتماعی؛ دکتر سعید مدنی، پژوهشگر ساخته‌شده، دقیق و بسیار صمیمی که برای آبادانی و سربلندی ایران رنج‌ها کشیده؛ دیگر افرادی بودند. متن اولیه کتاب را با دیده نقد و اصلاح خواندند.

از جمله اینان و با افتخار، سپاسگزاری کرده و به پیروی از سعدی، خدا را می‌خوانیم تا در برابر این «نیکی در دجله انداخته»، پاسخی در خور به ایشان ارزانی دارد. با این همه اما به رسم مرسوم و به انکای منطق، مسئولیت تمام آنچه در کتاب آمده با نگارنده است، به‌جز مواردی که نقل مستقیم از افراد شده است. توضیح داده شده نویسنده تلاش داشته تا رویکردی فعال با گفته همراهان داشته باشد، اما بدیهی است در این تلاش احماله و غفلت نهفته است و نویسنده مسئولیت این قبیل کاستی‌ها را بر عهده دارد.

برای امروزیانی که بدون ابزارهای دیجیتال زندگی را دشوار می‌یابند، شاید دیدن عکس‌هایی با فناوری آنالوگ (فیلم و نگاتیو) جذاب باشد. علاوه بر جذابیت، برخی عکس‌ها و دسترسی به برخی آرشیوها، سندی است برای درستی روایت‌ها و نشانه‌ای است از رخداد‌های گذشته. در اینجا نیز تلاش شد تا به فراخور بحث و موضوع، متن با عکس‌هایی منتخب آراسته شود. در این مهم، دوست گرامی جناب آقای ابراهیم باقری، از همکاران صبور مؤسسه آهنگ آتیه، بخشی از آرشیو عکس‌ها و نسخه‌های قدیمی نشریه آتیه را در اختیار نویسنده گذاردند. دسترسی و بهره‌گیری از آرشیو نشریه تأمین نیز با همکاری سرکار خانم مهناز علیجانی، مسئول کتابخانه سازمان تأمین اجتماعی، میسر شد. نویسنده، نسخه‌های قدیمی فصلنامه تأمین اجتماعی را نیز با کمک دوستان گرامی آقایان نعمت علیپور و مجید رجبی، از

مدیران مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، به دست آورد. هرچند بایگانی و آرشیو ارزشمند عکس‌ها و اسناد سازمان بسیار آسیب دیده و افسوس بر جای آن‌ها نشسته است، اما اگر نبود همراهی این دوستان، همین مقدار نیز محفوظ نمی‌ماند و امروز نویسنده و خوانندگان، شاهد این اسناد و عکس‌ها نبودند. از این روی، از ایشان قدردانی می‌شود.

در شرایطی که نگاشتن کتاب در بسیاری از کشورها می‌تواند منبع درآمد برای نویسنده باشد، در این دیار و در این روزها، کمتر و ای بسا «نادر» نویسنده‌ای را بتوان سراغ کرد که چاپ کتاب برایش «عایدی» مادی داشته باشد. این گونه است که هستند بسیاری از نویسندگان که پس از نگارش، «درباره» به دنبال ناشری هستند تا هزینه چاپ را تقبل کند و نویسنده نیز ناگزیر تنها به چاپ و عرضه کتاب دل خوش می‌کند. در این وانفسا بود که همت عالی و همراهی ستودنی جناب آقای دکتر احمد میدانی، مدیران تسهیل چاپ این کتاب شد.

امر خطیر آراستن این کتاب به زیور طبع، بر عهده انتشارات کویر بوده است. نمی‌توان بی‌سپاس از جناب آقای جواد مظفری هم‌کاران ایشان، این بخش را به پایان برد. در شرایطی که بازار کتاب نیز چون اقتصاد ایران با آشفتگی عریان شده و مخاطراتی چند ناشران را می‌آزارد، همراهی ارزنده جناب آقای میدری و دقت نظر همکاران انتشارات کویر شایسته تقدیر است. باشد که ایشان و دیگر ناشران در بسط دانش، بازاری پویا داشته باشند.

چیدمان مطالب کتاب

آنچه پیش‌رو دارید، پس از پیشگفتار، ابتدا تلاش کرده تا در فصلی مستقل و البته مختصر و مفید، توضیح دهد چرا سازمان تأمین اجتماعی نمونه مناسبی برای کالبدشکافی نظام تصمیم‌گیری کشور است و برای پاسخ به این پرسش کلیدی، این نشان داده است چرا تأمین اجتماعی برای توسعه مهم است. به بیان دیگر با پیش کشیدن نقش برجسته پررنگی که سازمان تأمین اجتماعی در فرآیند توسعه و همچنین «پایداری» این فرایند دارد، این نهاد عمومی را نمونه مناسبی برای ارزیابی وضعیت دستگاه دیوان‌سالاری کشور معرفی کرده است؛ زیرا همان‌گونه که آمد، هدف اصلی و مسئله محوری این کتاب، یافتن کاستی‌ها و نقصان‌های نظام تدبیر توسعه کشور است و برای مواجهه با چنین پرسش بزرگی، دوره چهارساله مدیریت محمد ستاری‌فر در سازمان تأمین اجتماعی را برگزیده است.

پس از آن، مرور رخداد‌های کلیدی سازمان تأمین اجتماعی در سال‌های پیش از انقلاب و جمع‌بندی روند قریب به سه دهه فعالیت در آن دوره، مدنظر بوده است. این فصل زمینه ورود به

سال‌های پس از انقلاب را فراهم کرده و آنچه در سال‌های آغازین استقرار جمهوری اسلامی بر سازمان رفته، با تمرکز بر فرآیند تدوین اصل ۲۹ قانون اساسی و تجارب ستاری‌فر در این حوزه دنبال شده است. ادامه بحث، به مقطعی حساس و تاریخی می‌رسد که ستاری‌فر یکی از فعالان آن بوده است و آن حوادث و رخداد‌های منتهی به انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ و تکیه زدن محمد خاتمی بر کرسی ریاست‌جمهوری است. رئیس‌جمهور شدن خاتمی، به‌نوبه خود تحولات را به سمتی سوق داد که محمد ستاری‌فر به‌عنوان رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی منصوب شود. سیر این انتصاب داستانی خواندنی و بس آموزنده است و فصلی از این کتاب را به خود اختصاص داده است. فصل بعدی، تلاش کرده تصویری از سازمان تأمین اجتماعی را بر مقطع انتصاب ستاری‌فر ترسیم کند. در اینجا آنچه ستاری‌فر تحویل گرفت، معرفی شده است. در ادامه، با تکیه بر این معرفی و با شناختی اجمالی از شرایط آن روزهای سازمان، هریک از حوزه‌های عالی سازمان در فصلی جداگانه بحث شده و تجارب ستاری‌فر در هریک از آن‌ها (و البته از منظر پرسش‌هایی این کتاب) جمع‌بندی شده‌اند. به این ترتیب ابتدا حوزه بیمه‌ای یا فنی و درآمد، سپس حوزه منابع انسانی، مالی، آموزش، پژوهش و مانند این‌ها، حوزه اجتماعی و نظام‌های پشتیبان مدیریت، اداره، مالی، آموزش، پژوهش و مانند این‌ها، حوزه سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی، سپس تلاش بوده است. بخش پایانی کتاب نیز به فصلی اختصاص دارد که تلاش کرده با جمع‌بندی تجارب ستاری‌فر در اداره سازمان تأمین اجتماعی، موازین و بایدهایی را در اداره و راهبری این سازمان تعریف کند.

و اما جان کلام؛

این کتاب تلاش کرده تا با تمرکز بر فرآیندها و یادآوری خداوند، علل و نتایج را پیش کشیده و با پرهیز از ماندن در چارچوب‌های اداری و اسارت در نام‌ها و نشان‌ها، «سمت‌وسو و جهت‌گیری اصلاح فرآیندها» را پیش چشم‌ها برجسته کند. کتاب تلاش کرده پاسخی درخور به پرسش سهمگین این مطالعه عرضه کند: کاستی‌های نظام تصمیم‌گیری و نقصان‌های دستگاه دیوان‌سالاری کشور و در این مسیر تمام هوشیاری و توجه خود را بر «رویه‌ها» و نه «نام‌ها» متمرکز کند تا بتواند چارچوبی برای یافتن پاسخ پرسش اصلی فراهم آورد. باشد که در این مسیر ناکام، درمانده باشیم!

میکائیل عنایمی

اردیبهشت ۱۳۹۸